**اثرات حذف پیمان ارزی کالاهای صادراتی**

**امامیان، فرشته**

از اقداماتی که دولت در سالهای اخیر برای‏ تشویق و توسعه صادرات غیرنفتی انجام‏ داده،حذف پیمان ارزی برخی از کالاهای‏ صادراتی است.مقالهء حاضر ضمن ارائه‏ برابر مقررات صادرات و واردات کالا،کسانی‏ که می‏خواهند در امر صادرات کالا اشتغال داشته‏ باشند،باید دارای کارت بازرگانی بوده و در صورتی که برای کالای موردنظر اتحادیه‏ صادرکنندگان همان کالا وجود داشته باشد،باید عضو آن اتحادیه نیز باشند.شخص واجد شرایط برای صدور کالا،موظف است در موقع صدور کالا تعهد ارزی براساس ارزیابی گمرک(که بر پایه‏ تعیین نرخ صادراتی کالای موردنظر توسط کمیسیون نرخ گذاری صورت می‏گیرد)به بانک‏ مرکزی بسپارد و ظرف مهلت معینی از تاریخ‏ سپردن پیمان ارزی،ارز حاصل از صادرات کالا را به کشور انتقال داده و به بانک مرکزی ایران،یا به‏ یکی از بانکهای مجاز تحویل دهد و یا اینکه طبق‏ شرایط و ضوابطی،معادل آن کالا وارد نماید.سپردن‏ پیمان ارزی،فقط در مورد کالای صادراتی انجام‏ می‏گیرد و برای صادرکنندگان خدمات،چنین‏ ترتیبی در نظر گرفته نشده است.ولی دولت‏ موجباتی فراهم نموده تا ایرانیانی که در شیخ نشین‏های خلیج فارس به کسب و کار مشغولند،بتوانند ارز حاصل از خدمات خود را در صورت تمایل به کشور انتقال دهند.

اصولا برخی از کشورها صادرکننده کالا و خدمات هستند(نظیر کشورهای صنعتی)و برخی‏ دیگر از کشورها که امکانات ضعیفی برای صدور کالا دارند،سعی می‏کنند که از طریق صدور خدمات درآمد ارزی کسب نمایند.در حال حاضر،در کشور ما صادرات به معنای صادرات کالاهای‏ غیرنفتی است که مهمترین منبع درآمد ارزی کشور پس از صدور نفت می‏باشد.

در زمانهای گذشته،به علت اتکا به درآمدهای‏ ارزی حاصل از نفت،اصولا به صادرات غیرنفتی‏ و ارز حاصل از آن توجهی نمی‏شد و به همین دلیل‏ مساله پیمان ارزی نیز به صورت امروزی مطرح‏ نبود.ولی پس از انقلاب اسلامی،به منظور کاستن‏ از اتکا به درآمدهای ارزی حاصل از نفت و نیز به‏ دلیل تنگناهای ارزی،مساله پیمان ارزی کالاهای‏ صادراتی به شکل جدی مطرح شد.در ابتدای امر، این مساله مشکلاتی ایجاد نکرده و صادرکنندگان‏ با سپردن پیمان ارزی اقدام به صدور کالا می‏کردند.ولی با بالا رفتن قیمت ارز در بازار آزاد و افزایش فاصله بین نرخ ارز رسمی و ارز آزاد، مساله پیمان ارزی مشکلاتی در رابطه با صدور اطلاعاتی در مورد پیمان ارزی،به بررسی‏ اثرات حذف آن در صدور کالاهای‏ کشاورزی و صنعتی می‏پردازد.

کالا ایجاد کرد.چرا که این امر باعث کاهش تمایل‏ تجار به سپردن پیمان ارزی شده بود.به این معنی‏ که دسته‏ای از تجار حاضر نبودند ارز حاصل از صدور کالا را به قیمت رسمی به دولت بفروشند زیرا همین ارز در بازار آزاد،به چندین برابر قیمت‏ رسمی مبادلی می‏شد.چنین اختلاف فاحشی بین این‏ دو نرخ باعث شده بود که برخی از صادرکنندگان‏ رغبتی به صدور کالا از طریق رسمی نداشته‏ باشند.برای حل این مسایل،دولت اقداماتی در مورد ارز صادراتی به عمل آورد که از جمله این اقدامات‏ حذف پیمان ارزی‏ کالاهای کشاورزی به منظور توسعه صادرات،در شرایط فعلی‏ صرفا منجر به افزایش قیمت‏ کالاها در بازار داخلی و افزایش‏ نرخ تورم می‏شود.

برقراری نرخ ترجیحی بود.این نرخ در ابتدا به‏ صورت 11 درصد تشویق ریالی و سپس 11 درصد تشویق ارزی تعیین شد ولی با شدت یافتن فاصله‏ نرخ رسمی و نرخ آزاد ارز،تجار تقاضای افزایش‏ نرخ ترجیحی را کردند وراین نرخ تقریبا همه ساله‏ افزایش یافت تا آنجا که در کنار سایر اقدامات‏ دولت برای تشویق و توسعه صادرات،برای هر نوع‏ کالای صادراتی نرخ ترجیحی مخصوصی توسط یک کمیسیون تعیین می‏شود و پس از آن در سال‏ 1363 پیمان ارزی گروهی از کالاهای صادراتی به‏ کلی حذف شد.

اثرات حذف پیمان ارزی‏ برخی معتقدند که وجود پیمان ارزی،عاملی‏ باز دارنده در راه صدور کالا از طریق رسمی بوده، و چنانچه دولت پیمان ارزی را از کالای صادراتی‏ حذف کند و ارز حاصل از صدور کالا را در اختیار صادرکننده قرار دهد،صادرات غیرنفتی رو به‏ افزایش خواهد گذاشت.لازم به تذکر است که مساله‏ حذف پیمان ارزی دارای ابعاد گوناگونی است که‏ مهمترین آن افزایش قیمت کالای صادراتی در داخل‏ کشور است.چرا که اختلاف فاحش بین نرخ ارز رسمی و ارز آزاد،این امکان را به صادرکننده‏ می‏دهد تا کالای صادراتی را در داخل کشور به‏ قیمتهای گزاف خریداری کند و از طرفی در بازار جهانی با قیمت‏های نازل عرضه نماید.به بیانی‏ دیگر،ارز حاصل از فروش اجناس صادراتی ایران‏ در خارج از کشور به هر قیمتی،با توجه به نرخ‏ تبدیل ارز در بازار آزاد،عملا موجب سودهای کلان‏ برای تجار می‏شود.تحقق این امر باعث خواهد شد که فروشندگان،در مقابل مبادله کالای صادراتی با ارز،انعطاف قابل توجهی از خود نشان دهند.از طرفی،افزایش قیمت داخلی کالای صادراتی،خود یکی از عوامل بالا برنده نرخ تورم خواهد بود.اتخاذ سیاست حذف پیمان ارزی در مورد کالاهای سنتی‏ و کشاورزی به منظور توسعه صادرات آنها،در شرایط کنونی صرفا منجر به افزایش قیمت آن کالا و کالاهای مشابه آن در بازار داخلی و در نهایت‏ افزایش نرخ تورم خواهد شد.این افزایش قیمت، حتی می‏تواند تا حد قیمت آن کالا در بازار خارجی‏ به ارز آزاد نیز ادامه یابد.به عنوان نمونه،می‏توان‏ از افزایش بی‏رویه قیمت برخی از کالاهای‏ کشاورزی و حتی کمبود برخی از آنها که شامل‏ حذف پیمان بوده‏اند در سال گذشته در داخل کشور نام برد.

در سال 1365 حدود 140 هزار تن‏1میوه‏های‏ تازه و تره‏بار و سبزیجات به ارزش 5687 میلیون‏ ریال به خارج از کشور صادر شد که در مقایسه با ارقام مشابه سال 1364(حدود 60 هزار تن به ارزش‏ 1580 میلیون ریال)از لحاظ وزن حدود 133 درصد و از لحاظ ارزش حدود 250 درصد افزایش‏ داشته است که صدور چنین حجمی از میوه‏های‏ تازه و سبزیجات و تره‏بار،در سالهای اخیر بی‏سابقه بوده است.به عبارت دیگر،در حدود 22 درصد از کل وزن صادرات غیرنفتی ما در سال‏ گذشته شامل اقلام فوق بوده است.نگاهی به نرخ‏ اقلام فوق در داخل کشر در سال گذشته و افزایش‏ این نرخها نشان می‏دهد که بی‏تردید یکی از علل‏ افزایش قیمت آنها صدور بی‏رویه این کالاها به‏ خارج از کشور به دلیل حذف پیمان ارزی آنها بوده‏ است.از طرف دیگر در همین دوره قیمت این کالاها در بازارهای خارج تنزل داشته و با پرداخت چنین‏ بهائی برای صادرات این کالاها،ارز حاصله نیز نصیب دولت نشده بلکه تنها نصیب تجار صادر کننده شده است.این درست است که کالاهای‏ کشاورزی ظاهرا تولید داخلی بوده و جنبه ارزبری‏ ندارند،ولی این مساله را باید در نظر داشت که‏ اکثر امکانات و تجهیزاتی که دولت در اختیار کشورزان و باغداران قرار می‏دهد وارداتی بوده و ارزبر می‏باشند.امکاناتی نظیر کود،سم،وسایل و ادوات کشاورزی،وسایل و قطعات یدکی و سایر موادی که در اختیار کشاورز و باغدار قرار می‏گیرد،اکثرا وارداتی‏اند.از طرفی‏ تسهیلات حمل کالای صادراتی مانند کامیون، هواپیما،جاده‏ها،اسکله‏ها و بنادر، انبارها و سایر تجهیزات صدور کالا نیز اکثرا جنبه‏ ارزبر دارند.بنابراین،برای جبران ارزی که به‏ هرحال هر کالای صادراتی در بر دارد،می‏بایست مقداری از ارز حاصل از صدور کالاها در اختیار دولت قرار گیرد و این صحیح به نظر نمی‏رسد که‏ دولت کلیه امکانات و تجهیزات را در اختیار صادر کننده قرار دهد ولی صادرکننده پس از صدور کالا ارز حاصله را به خزانه دولت باز نگرداند و آن را به‏ قیمت آزاد مبادله و یا صرف ورود کالا نموده و بهای‏ آن را با ارز آزاد محاسبه کند.اتخاذ اینگونه‏ سیاستهای تشویق صادرات که صرفا منجر به‏ افزایش قیمت این قبیل کالاها در داخل می‏شود، باعث فشار به دولت و لزوم اتخاذ سیاستهای جدید به منظور خنثی نمودن اثرات جنبی این سیاستها خواهد شد.از طرف دیگر،چون صادرکننده حاضر است کالا را به هر قیمتی بفروشد(به علت نرخ‏ بالای ارز آزاد و عدم الزام به بازگرداندن ارز) بنابراین اصولا سعی در بهبود کیفی کالای صادراتی‏ ننموده و در عین حال درپی یافتن بازارهای جدید برنمی‏آید.چنانکه در سال گذشته،قسمت اعظم‏ صادرات میوه‏های تازه و سبزیجات کشور ما به‏ بازارهای حوزه خلیج فارس بوده است در حالی که، اصولا گسترش صادرات غیرنفتی ما می‏بایست‏ با توجه به مزیتهای نسبتی در تولید کالاها،کاهش‏ قیمت تمام شده کالا از طریق کاهش هزینه تولید در مراحل مختلف آن،بالا بردن کیفیت و مرغوبیت‏ کالا و همچنین بازاریابی صحیح و گسترده صورت‏ پذیرد.

از طرف دیگر،در بین کالاهای کشاورزی‏ صادراتی ایران اقلامی هست که کشورهای طرف‏ قرارداد دو جانبه یا تهاتری نیز خریدار آنها هستند.

حال آنکه با حذف پیمان،از آنجا که تجار می‏توانند همین کالا را در سایر کشورها به فروش برسانند و ارز آنرا در بازار آزاد به قیمتهای گزاف مبادله‏ نمایند،چگونه می‏توان انتظار داشت که همین کالا را به کشورهای طرف مبادلات تهاتری بفروشند؟ در چنین شرایطی،در نتیجه صدور کالا بدون‏ بازگشت ارز به سایر کشورها،معاملات تهاتری‏ این قبیل کالاها احتمالا کاهش خواهد یافت.به نظر می‏رسد بهتر باشد سوبسیدهای صادراتی در مراحل‏ مختلف تولید و صدور کالا پرداخت شوند تا قیمت‏ تمام شده کالای صادراتی را کاهش دهند.در حالی‏ که سود ناشی از حذف پیمان،صرفا شامل حال تجار می‏شود.

در مورد کالاهای صنعتی،برای دستیابی به‏ بازارهای صادراتی و ورود به آنها،اثرات حذف‏ پیمان ارزی را به شرط تعیین سهمیه صادراتی،با شرایطی می‏توان توجیه نمود.چه،دولت می‏تواند تخصیص ارز نفتی به بعضی از این واحدها را متوقف کند ولی در عین حال پیمان ارزی را نیز در مورد صادرات آنها حذف و سیاست خودگردانی‏ ارزی و تعیین سهمیه صادراتی از تولید را در قبال‏ آنها اعمال نماید.چه بسا اعمال این سیاست موجب‏ تحرک این واحدها شده و وسیله و ورود آنهارا به‏ عرصه بازارهای بین‏المللی فراهم آورد.باید توجه‏ داشت که چنانچه سهمیه صادراتی در مورد این‏ کالاها تعیین شود،از کمبود آنها در داخل و نتیجتا از افزایش قیمت داخلی آنها جلوگیری خواهد شد.به‏ هرحال،در اجرای این گونه سیاستهااین مساله را باید در نظر گرفت که اتکای صرف به صادرات‏ کالاهای سنتی برای همیشه نمی‏تواند نیازهای‏ ارزی کشور را تامین کند و به ناچار ما باید به دنبال‏ منابع ارزی بیشتر از طریق صدور کالاهای‏ صنعتی باشیم.ناگفته نماند که گسترش واقعی‏ امکانات صادراتی به نحوی که بتواند رشد تولیدات صنعتی کشور را تضمین کند،میسر نخواهد بود مگر اینکه امکانات لازم،در واحدهایی‏ که به سود خودگردانی ارزی سوق داده می‏شوند، فراهم شود.لازم به تذکر است که صنایعی می‏ توانند در مسیر این سیاست واقع شوند که دارای‏ بیلان ارزی مثبت باشند.یعنی هزینه ارزی‏ تولیدات آنها کمتر از قیمت صادراتی آنها باشد در غیر این صورت،مانند آن است که ما برای صادرات‏ خود ارز پرداخته باشیم.همچنین هر قدر که تراز ارزی یک صنعت عدد مثبت بیشتری را نشان دهد، امکانات کشت و تولید بسیاری از کالاهای کشاورزی‏ مانند کود و سم و وسائل حمل و نقل صدور این محصولات ارزبر بوده و باید بخشی از ارز حاصل‏ از صادرات این مواد در اختیار دولت قرار گیرد.

بهتر است سوبسیدهای‏ صادراتی در مراحل مختلف تولید پرداخت شود تا قیمت تمام شده‏ کالا کاهش یابد زیرا حذف پیمان، سود را تنها شامل صادرکننده‏ می‏سازد.

کالاهای واحدهای‏ صنعتی می‏توانند در جهت‏ ارز آوری و خودگردانی واحدها با حذف پیمان ارزی صادر شوند، ولی باید این کالاها از جنبه ارزی‏ دارای بیلانی مثبت باشند.

برتری بیشتری برای تعیین سهمیه صدور به آن‏ صنعت می‏دهد.از سوی دیگر کالای صنعتی قابل‏ صدور می‏بایست حتی‏الامکان به شکل کامل‏تری‏ صادر شود تا ارزش افزوده داخلی آن بیشتر بوده‏ و قادر به کسب ارز بیشتری باشد.همچنین تعیین‏ سهمیه صدور می‏بایست به گونه‏ای باشد که تاثیر محسوس بر مصرف داخلی نداشته و باعث نیاز به‏ واردات همان کالا از خارج نشود.نهایت اینکه‏ اصولا کالاهائی قابل صدور است که تولید آن‏ها براساس مزیت نسبی تولید در کشور صورت گرفته‏ باشد تا بتوان به ادامه صدور آن‏ها امیدوار بود.البته‏ در این میان توجه به بازارهای جهانی،سلیقه مصرف‏ کننده،بازاریابی صحیح و گسترده و سایر مسایل می‏ بایست در الگوی صادراتی صنعتی کشور مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه کلی آنکه،سیاست حذف پیمان ارزی‏ کالاهای صادراتی مساله‏ای چند جانبه است که‏ در اینجا صرفا به جنبه اقتصادی آن اکتفا شد و بررسی دیگر زمینه‏های آن نیاز به تحلیلی عمیق‏ و همه جانبه دارد که می‏بایست با همکاری و همفکری‏ همه ارگانهای دست اندرکار مساله صادرات انجام‏ پذیرد.

پانویس

(1)-مجموعه برآورد مقدماتی صادرات و واردات-گمرک ایران-اسفند 1365